



Bankruptcy of Joint-Stock Companies and its Impact on Shareholders and Company Managers

Jamil Milani *

Researcher in Company Registration Laws,
National Organization for Registration of Deeds
and Properties, Tehran, Iran.

Abstract

The Commercial Code recognizes joint-stock companies as merchants. Nowadays, these companies, as legal entities, play a significant and prominent role in economic and commercial transactions. The nature of business involves creating contracts, obligations, and debt payments. Therefore, when a merchant becomes incapable of meeting their debts and their assets are insufficient for this purpose, they are considered bankrupt, and specific regulations are applied to their activities. This situation has effects on other individuals and entities.

In joint-stock companies, shareholders and managers are the two main pillars. Shareholders provide the company's capital, while managers are responsible for its administration. Therefore, the bankruptcy of a joint-stock company does not automatically lead to the bankruptcy of shareholders and managers. However, the opposite can also be true, and under certain circumstances or in specific bankruptcy situations, this general rule may be violated, leading to liability for the company's stakeholders.

This article aims to explore this topic using library and internet sources and employing a descriptive-analytical approach. It delves into bankruptcy and its various types, as well as the mutual effects of a company's bankruptcy on shareholders and managers.

Keywords: bankruptcy, joint stock companies, entrepreneur, shareholders, company managers

Received: 19/January/2023

Accepted: 15/August/2023

eISSN: 2783-4204

ISSN: 2783-3631

ورشکستگی شرکت‌های سهامی و آثار آن بر سهامداران و مدیران شرکت

جمیل میلانی *

پژوهشگر حقوق ثبت شرکت‌ها، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، تهران، ایران.

چکیده

قانون تجارت، شرکت‌های سهامی را به عنوان تاجر معرفی نموده است. امروزه، این شرکت‌ها به عنوان تاجران دارای شخصیت حقوقی مستقل، نقش مهم و پررنگی در مبادلات اقتصادی و تجاری دارند. طبیعت کار تجارت، ایجاد قراردادها و تعهدات و پرداخت دیون است. بر همین مبنا، وقتی تاجر از پرداخت دیونش ناتوان گردد و دارایی آن برای این امر کفایت ننماید، ورشکسته محسوب شده و مقررات خاصی بر فعالیت آن اعمال می‌گردد. این قضیه، اثراتی بر دیگر افراد و اشخاص دارد. در شرکت‌های سهامی، سهامداران و مدیران به عنوان دو رکن اصلی مطرح هستند. سهامداران، فراهم کننده سرمایه شرکت و مدیران، اداره کننده آن هستند. لذا ورشکستگی شرکت می‌تواند اثراتی را بر این ارکان داشته باشد. قاعده کلی این است که ورشکستگی شرکت سهامی باعث ورشکستگی سهامداران و مدیران نمی‌شود. البته، عکس این قضیه نیز صادق بوده اما در شرایط خاصی ممکن است این قاعده کلی نقض گردد و یا در شرایط ورشکستگی باعث ایجاد مسئولیت برای ارکان شرکت شود. مقاله پیش رو تلاش دارد با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی و به روشی توصیف-تحلیلی به این مبحث پرداخته و ضمن بررسی ورشکستگی و انواع آن، اثرات متقابل ورشکستگی شرکت، سهامداران و مدیران را نیز مورد بحث قرار دهد.

کلیدواژه‌ها: ورشکستگی، شرکت‌های سهامی، تاجر، سهامداران، مدیران شرکت

مقدمه

امروزه، شرکت‌های تجاری به‌ویژه از نوع سهامی آن از بزرگ‌ترین تاجران محسوب شده که نقش و جایگاه انکارناپذیری در فعالیت‌های اقتصادی و تجاری دارند. مطابق ماده ۱ قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷/۱۲/۲۴، شرکت سهامی شرکتی است که سرمایه آن به سهام تقسیم شده و مسئولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی سهام آن‌هاست. از بین انواع شرکت‌های مذکور در قانون تجارت، شرکت سهامی تنها شرکتی است که صرف‌نظر از موضوع فعالیتش، تجاری شناخته می‌شود. انواع شرکت‌های سهامی در قانون تجارت به دو دسته شرکت سهامی عام و شرکت سهامی خاص تقسیم می‌گردند. شرکت‌های سهامی خاص به شرکت سهامی با حداقل سه عضو گفته می‌شود که تمام سرمایه آن‌ها در موقع تأسیس، منحصراً توسط مؤسسين تأمین شده است. شرکت سهامی عام، شرکتی است با حداقل پنج سهامدار که مؤسسين آن، قسمتی از سرمایه شرکت را از طریق فروش سهام به مردم تأمین می‌نمایند. ورشکستگی شرکت‌ها زمانی اتفاق می‌افتد که دارایی و سرمایه آن‌ها برای پرداخت دیون کافی نباشد. این ورشکستگی ممکن است به دلایل متعددی رخ دهد که درنهایت، دادگاه با احراز شرایط، حکم ورشکستگی را صادر نماید. فارغ از دلایل آن، این مقوله می‌تواند بر ارکان شرکت، به‌ویژه رکن‌های مهمی مثل سهامداران و مدیران، اثراتی بگذارد. این مقاله تلاش دارد بخشی از این اثرات را بررسی نموده و حالت برعکس آن یعنی ورشکستگی سهامداران و مدیران و اثرات آن بر شرکت را نیز مدنظر قرار دهد و ضمن بررسی ورشکستگی و انواع آن، به دنبال پاسخگویی به این سؤالات باشد که ورشکستگی شرکت، چه تأثیری بر وضعیت سهامداران و مدیران آن دارد؟ به‌علاوه، آیا ارتباط مستقیمی بین ورشکستگی شرکت با ورشکستگی سهامداران یا مدیران آن و حالت عکس آن وجود دارد یا خیر؟

شرکت سهامی در زمان تأسیس، هیچ‌گونه دارایی و اموالی از خود ندارد. این سهامداران هستند که با آوردن سرمایه‌های نقدی و غیر نقدی خود، شرکت سهامی را تشکیل می‌دهند و به شرکت امکان خواهند داد که برای آغاز فعالیت دست‌مایه لازم را پیدا کند؛ بنابراین، وجود سرمایه اولیه، جزء عناصر اصلی برای تشکیل شرکت سهامی است. درواقع، سرمایه شرکت همان آورده هر یک از مؤسسين و سهامداران است که می‌تواند به‌صورت نقدی یا غیر نقدی باشد. اگر به‌صورت غیر نقدی باشد، باید مورد ارزیابی قرار گیرد و به ریال تقویم شود؛ یعنی باید ارزش ریالی آورده‌های غیر نقدی مشخص گردد تا به اضافه آورده‌های نقدی، تشکیل مبلغ مشخصی را بدهند و آن مبلغ مشخص را به‌عنوان سرمایه شرکت در اساسنامه در آگهی ثبت شرکت برای اطلاع اشخاص ثالث، اعلام کنیم. ماده ۲۴ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت در مقام تعریف سهم بیان داشته است که سهم، قسمتی از سرمایه شرکت سهامی بوده که نشانگر میزان مشارکت و تعهدات و منافع صاحب آن در شرکت سهامی است. سهم، علاوه بر اینکه بیانگر میزان سرمایه‌گذاری و مشارکت سهامدار در شرکت است، نشان‌دهنده میزان مسئولیت او در برابر دیون و تعهدات شرکت نیز خواهد بود. شرکت‌هایی که مشمول ماده ۴۱۲ قانون تجارت می‌شوند، همان‌هایی هستند که در ماده ۲۰ قانون مزبور پیش‌بینی شده‌اند؛ یعنی شرکت سهامی، شرکت با مسئولیت محدود، شرکت تضامنی، شرکت‌های مختلط سهامی و غیر سهامی، شرکت نسبی و شرکت تعاونی تولید و مصرف. به این مجموعه می‌توان شرکت‌های تعاونی سهامی عام و صندوق‌های سرمایه‌گذاری را نیز افزود. حکم ورشکستگی این شرکت‌ها را از تاریخ احراز شخصیت حقوقی آن‌ها می‌توان تقاضا و صادر نمود، مشروط بر اینکه طبق قوانین تجارت تشکیل شده باشند. ابتدا ورشکستگی و انواع آن را برابر قانون تجارت، مورد بحث قرار داده و در ادامه، ضمن برشمردن ویژگی‌های شخصیت حقوقی که شرکت‌های سهامی، نمونه بارز یک شخصیت حقوقی محسوب می‌شوند، به اثرات ورشکستگی بر سهامداران و مدیران می‌پردازیم.

۱- ورشکستگی و انواع آن

۱-۱- تعریف ورشکستگی

ورشکستگی در لغت به معنای درماندگی در کسب و تجارت بوده و حالت بازرگانی است که در تجارت زیان دیده و بدهی او بیش از دارایی‌اش باشد (واعظ قاسمی و رمضانپور چهارده، ۱۳۹۷: ۲۷۸). ورشکستگی، حالت تاجری است که نتواند تعهدات تجاری خود را عملی کند که قدر متیقن آن پرداخت دین حال معین است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۸: ۷۷۳). ورشکستگی، حالت و کیفیتی است که بازرگانان یا شرکت‌های بازرگانی پس از توقف از پرداخت بدهی کلی خودشان به موجب حکم دادگاه پیدا می‌کنند. پس تحقق دو شرکت مذکور یعنی بازرگان بودن و متوقف شدن باید در یک حال جمع باشد (عیسائی تفرشی، ۱۴۰۰، ج اول: ۲۰۲). برابر ماده ۴۱۲ قانون تجارت، ورشکستگی تاجر یا شرکت تجارتي در نتیجه توقف از تأدیه وجوهی است که بر عهده او حاصل می‌شود. حکم ورشکستگی تاجری را که حین الفوت در حال توقیف بوده تا یک سال بعد از مرگ او نیز می‌توان صادر نمود. برابر این تعریف، هم شخص حقیقی تاجر و هم شرکت تجارتي و شخص حقوقی، مشمول مقررات ورشکستگی هستند. نکته دیگر به عدم توانایی تاجر در تأدیه وجوهی بوده که بر عهده اوست و توقف این مهم باعث ورشکستگی می‌شود؛ هرچند مدت زمان یا شرایط خاص دیگری در ارتباط با این توقف ذکر نشده است که به نظر می‌رسد مرجع صدور حکم ورشکستگی باید به احراز این شرایط بپردازد. بر اساس تعاریف دیگر، ورشکستگی، حالت تاجری است که در پرداخت دیونش وقفه ایجاد شده است (اسکینی، ۱۳۹۷: ۲۰). ورشکستگی به حالت بالقوه تاجر متوقفی اطلاق می‌گردد که در پرداخت‌های خود دچار وقفه شده و این حالت بالقوه با احراز در دادگاه و در نتیجه صدور حکم ورشکستگی توسط دادگاه به حالت بالفعل می‌رسد (جعفری صامت، ۱۳۹۷: ۴۳۹). به سخن دیگر، اگر از اوضاع و احوال قضیه چنین برآید که پرداخت تمام یا قسمتی از دیون حال تاجر دارایی سهل الوصول او ممکن نیست، باید حکم ورشکستگی او را صادر کرد (جنیدی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۳۹). ورشکستگی ناظر به تاجر یا شرکت تجارتي است و در مورد اشخاص عادی، مقررات اعسار استفاده می‌شود. بر اساس ماده ۴۱۲ قانون تجارت، شرط اساسی ورشکستگی، تاجر بودن شخص است که شرکت‌های موضوع ماده ۲۰ قانون تجارت را شامل می‌شود. هرچند بر اساس بند ۶ ماده ۵۴ قانون بخش تعاونی اقتصاد، اتحادیه‌های تعاونی با آنکه تاجر تلقی نمی‌شوند، مشمول مقررات ورشکستگی هستند.

گروهی، ذات ورشکستگی را امری قهری و قانونی می‌دانند و معتقدند ورشکستگی و امر تصفیه نهادی است که قانون آن را اداره می‌کند و اراده اشخاص در آن راهی ندارد (الماسی و شمس، ۱۳۹۶: ۳۰). از نظر پیشینه تاریخی، ورشکستگی تقریباً مقوله‌ای باستانی و به همین میزان نیز شایع و متداول است. ورشکستگی ممکن است در یک مغازه خرده‌فروشی کوچک که قادر به ایفای تعهد اجاره‌اش نیست و به همین دلیل بسته می‌شود و یا در یک شرکت تولیدی بزرگ به دلیل نداشتن نقدینگی مطلوب و زیان‌های مستمر سالانه، رخ دهد. تا قبل از تصویب قوانین تجاری مصوب ۱۳۰۳، ۱۳۰۴ و ۱۳۱۱ در ایران، قانون‌گذار ما مقرراتی را برای ورشکستگی وضع نکرده بود و مقررات راجع به افلاس، هم در مورد تاجر و هم در مورد غیر تاجر، اعمال و اجرا می‌شد. به موجب این مقررات، به بدهکاری که از پرداخت دیون خود عاجز بود، مفلس تلقی شده، اموالش از تصرف خارج و با نظارت حاکم میان طلبکاران تقسیم می‌شد. از آنجا که مقررات اعسار که اصولاً نسبت به بدهکار سختگیری چندانی نداشت، با تحول و توسعه روابط اقتصادی و بازرگانی و نیز تفاوت میان معاملات اشخاص عادی، با معاملات تجاری، جوابگوی ضرورت‌های امر تصفیه و تقسیم دارایی تاجر میان طلبکاران نبود، قانون‌گذار ایران با استفاده از مقررات حقوقی اروپایی، موضوع ورشکستگی را وارد حقوق ایران کرد (کاردگر و همکاران، ۱۳۹۳: ۲-۱). اهمیت ورشکستگی بر هیچ نظام حقوقی پوشیده نبوده و با

بررسی‌های انجام‌شده در سیستم‌های مختلف حقوقی درمی‌یابیم که اهمیت دوچندان نسبت به دیگر مسائل حقوقی به آن شده است. این اهتمام و توجه به این علت است که ورشکستگی یکی از پدیده‌های حقوقی وابسته به اقتصاد یک دولت است و آسیبی بسیار زیاد بر اقتصاد و به دنبال آن، نظم عمومی جامعه وارد می‌آورد. از این جهت، همواره اهتمام آن شده است که ورشکستگی به سرعت کشف و رسیدگی شود تا از آسیب‌های وارده توسط آن کاسته شود (سیمایی صراف و شقایق، ۱۳۹۸: ۱۵۳). لذا شناخت این نهاد حقوقی به‌ویژه در ارتباط با شرکت‌های سهامی به‌عنوان یکی از عناصر اصلی و فعال در اقتصاد کشور ما و همچنین، بررسی اثرات آن بر سهامداران و مدیران شرکت به‌عنوان دو رکن اصلی تصمیم‌گیرنده و اجراکننده در شرکت‌های سهامی می‌تواند مهم و ضروری باشد.

۱-۲- انواع ورشکستگی

انواع ورشکستگی در قانون تجارت ازجمله مواد ۵۴۱ و ۵۴۲ عبارت‌اند از:

۱-۲-۱- ورشکستگی عادی

ورشکستگی عادی زمانی است که در آن، تاجر بر اثر عوامل خارجی یا حوادث غیرمترقبه، بدون تقصیر یا تقلب، متوقف شود. در ورشکستگی عادی شرکت‌ها، مدیران شرکت تجارتنی زمانی که با عدم توان مالی برای پرداخت دیون مواجه می‌شوند، موظف‌اند ظرف سه روز از زمان وقفه در پرداخت دیون، توقف خود را به دادگاه صالح (دفتر دادگاه مرکز اصلی شرکت)، اعلام و کلیه دفاتر تجاری و حساب مالی خود را به دفتر دادگاه تسلیم نمایند. در صورتی که مدیران شرکت به تکلیف قانونی خود ظرف سه روز مقرر عمل نموده و تمام مدارک و اسناد لازم را به دفتر دادگاه ارائه دهند، ورشکستگی شرکت، عادی است.

۱-۲-۲- ورشکستگی به تقصیر

این نوع از ورشکستگی که به واسطه تقصیر و خطای تاجر حاصل شده و ازجمله جرائم غیرعمدی است، شامل ورشکستگی ناشی از سوءنیت و شامل ورشکستگی جنحه‌ای و جنایی بوده و غیر عمد و ناشی از بی‌مبالاتی در امور تجاری است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۸: ۷۷۴). در زمانی که ورشکستگی شرکت‌های تجاری یعنی توقف از پرداخت دیون ظرف سه روز به دادگاه اعلام نشود و مدیران شرکت درخواست اعلام ورشکستگی نکنند، ورشکستگی از حالت عادی خارج شده و دادگاه می‌تواند حکم ورشکستگی به تقصیر صادر کند.

در قانون تجارت، در مورد ورشکستگی به تقصیر شرایطی بیان شده که در صورت احراز آن شرایط، شرکت‌های تجاری به‌عنوان تاجر، الزاماً محکوم به ورشکستگی به تقصیر می‌شوند؛ بنابراین، ورشکستگی به تقصیر به دو نوع الزامی و اختیاری تقسیم می‌شود. در موارد اختیاری، دادگاه پس از بررسی اوضاع و احوال و شرایط موجود ممکن است حکم ورشکستگی به تقصیر صادر نماید و در موارد اجباری در صورت احراز موارد مصرح قانونی، دادگاه ملزم به صدور حکم ورشکستگی به تقصیر است. به‌عنوان مثال، در صورتی که معاملات غیرمتعارف و موهومی در شرکت انجام شده باشد، دادگاه با اثبات این امر باید حکم ورشکستگی به تقصیر صادر کند.

۱-۲-۳- ورشکستگی به تقلب

ورشکستگی به تقلب از دیگر انواع ورشکستگی بوده که در این حالت، تاجر به دلیل سوءنیت، حيله و تقلبی که به کار برده است، مجرم شناخته شده و جنبه جنایی دارد (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۸: ۷۷۴). به استناد ماده ۵۴۹ قانون تجارت، برای تعیین مجازات ورشکسته به تقلب باید به قانون جزا مراجعه کنیم. در مواقعی نیز شرکت‌های تجاری با انجام اعمال

غیرقانونی و تقلبی، الزاماً محکوم به ورشکستگی به تقلب هستند. این محکومیت، آن‌ها را از بسیاری از حقوق قانونی محروم می‌کند، از جمله اینکه انعقاد قرارداد ارفاقی و امکان اعاده وضع به حالت قبل از ورشکستگی را از دست می‌دهند. مثلاً اگر شرکت، قسمتی از دارایی و اموال خود را مخفی کند و یا بدهی‌های خود را از راه تبانی و توسل به شیوه‌های متقلبانه، بیشتر از مقدار واقعی نشان دهد، محکوم به ورشکستگی به تقلب می‌شوند.

درنهایت، ذکر این نکته ضروری است که ورشکستگی یکی از موارد انحلال شرکت به شمار می‌رود. مطابق ماده ۱۹۹ لایحه اصلاحی قانون تجارت، شرکت سهامی در موارد زیر منحل می‌شود:

۱. وقتی که شرکت موضوعی را که برای آن تشکیل شده است، انجام داده یا انجام آن غیرممکن شده باشد.
۲. در صورتی که شرکت برای مدت معین تشکیل گردیده و آن مدت منقضی شده باشد؛ مگر اینکه مدت قبل از انقضاء تمدید شده باشد.
۳. در صورت ورشکستگی
۴. در هر موقع که مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام به هر علتی رأی به انحلال شرکت بدهد.
۵. در صورت صدور حکم قطعی دادگاه

البته یک تفاوت اساسی بین انحلال شرکت در صورت ورشکستگی با سایر موارد فوق وجود دارد و آن این است که ورشکستگی دارای رژیم حقوقی ویژه خود بوده و به‌عنوان یکی از شیوه‌های انحلال و از نوع قهری در بحث حقوق ورشکستگی بررسی می‌گردد (پاسبان، ۱۳۸۹: ۳۵۷). این مهم در لایحه اصلاحی قانون تجارت نیز مورد تأکید قرار گرفته و برابر ماده ۲۰۰ آن، «انحلال شرکت در صورت ورشکستگی، تابع مقررات مربوط به ورشکستگی است». این مورد در ماده ۲۰۳ نیز مجدداً مورد تأکید قرار گرفته و اعلام می‌دارد: «تصفیه امور شرکت سهامی با رعایت مقررات این قانون انجام می‌گیرد، مگر در مورد ورشکستگی که تابع مقررات مربوط به ورشکستگی است». این مسئله نشان‌دهنده اهمیت مقوله ورشکستگی و تشریفات مرتبط با آن به‌عنوان یکی از موارد انحلال شرکت بوده و طبیعتاً اثرات آن نیز متفاوت و محل بحث خواهد بود.

۲- قاعده استقلال شخصیت حقوقی

قاعده استقلال شخصیت حقوقی و مسئولیت محدود، یکی از قواعد مسلم و پذیرفته‌شده در حوزه شرکت‌های تجاری است. به‌موجب ماده ۵۸۳ قانون تجارت، شرکت‌های تجاری دارای شخصیت حقوقی هستند. شخصیت حقوقی عبارت است از کیفیتی که قانون‌گذار برای گروهی از افراد یا برای مال یا حقوق خاصی (از منافع عمومی یا خصوصی) برای یک هدف معین می‌شناسد تا موضوع حقوق و تکلیف قرار گیرد (عیسائی تفرشی، ۱۴۰۰، ج ۲: ۱۰). شرکت‌های تجاری پس از تشکیل به‌مثابه یک ماهیت مستقل از اعضاء تشکیل‌دهنده خود تلقی می‌شوند که این امر دارای آثار فراوانی از جمله استقلال در فعالیت‌ها و دارایی و غیره است. قاعده استقلال شخصیت حقوقی به‌عنوان پوششی برای سهامداران و شرکا بوده که منجر به مصون ماندن آن‌ها از عواقب اقدامات شرکت می‌گردد. در کنار این قاعده، قاعده مسئولیت محدود وجود دارد که به معنای عدم مسئولیت سهامداران و شرکا در قبال بدهی‌های شرکت پس از انحلال آن جز به مقدار آورده خود است. درواقع، پس از انحلال شرکت، طلبکاران شرکت که مطالباتشان بلاوصول مانده است، نمی‌توانند به اموال شخصی سهامداران و شرکا مراجعه کنند چراکه اموال شخصی آن‌ها، وثیقه دیون و تعهدات شرکت نیست. اگرچه این قواعد به‌طور کلی در اکثر نظام‌های حقوقی مقبول افتاده است لیکن تمسک صرف به این قواعد در مواردی، زمینه تضییع حقوق طلبکاران شرکت را فراهم می‌آورد و چه‌بسا خسارات جبران‌ناپذیری به طلبکاران بدون تقصیر شرکت وارد کند (رجبعلی دماوندی و همکاران، ۱۴۰۱: ۳۴). طرح بحث قاعده استقلال شخصیت

حقوقی از آن جهت مهم است که تکالیف، مسئولیت‌ها، دارایی، دیون و غیره مربوط به اشخاص حقوقی و به‌ویژه شرکت‌ها از اشخاص حقیقی ایجادکننده آن‌ها و سهامداران تفکیک شود. قاعده مهمی که در نظام حقوقی کشور ما نیز پذیرفته شده است و به تصریح ماده ۵۸۸ قانون تجارت، «شخص حقوقی می‌تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است؛ مگر حقوق و وظایفی که بالطبع، فقط انسان ممکن است دارای آن باشد، مانند حقوق و وظایف ابوت-بنوت و امثال ذالک».

۳- ورشکستگی شرکت و سهامداران

آیا با ورشکست شدن شرکت، شرکا یا سهامداران آن نیز ورشکست خواهند شد؟ اثرات ورشکستگی شرکت بر شرکا و سهامداران چیست؟ یکی از راه‌های تشخیص اثر حکم ورشکستگی در شرکت‌های تجاری، تقسیم‌بندی آن‌ها بر اساس شرکت‌های سرمایه و شرکت‌های شخص است (فرحناکیان، ۱۳۹۲: ۵۲۹). در شرکت‌های سرمایه، مسئولیت افراد به میزان آورده آن‌هاست در حالی که در شرکت‌های اشخاص، این مسئولیت بیشتر و گاهاً تضامنی خواهد بود. شرکت‌های سهامی از نمونه بارز شرکت‌های سرمایه هستند.

مزیت قابل توجه تشکیل شرکت در قالب شخص حقوقی، حمایت از شرکا و سهامداران در برابر خطرهای احتمالی ناشی از فعالیت‌های تجاری است. با جدایی اموال شرکت از اموال شرکا و سهامداران (در شرکت‌های اشخاص)، در صورت انحلال شرکت (که ورشکستگی یکی از موارد انحلال است) با مسئولیت نامحدودی روبرو نیستند. مسئولیت محدود، جدا از داشتن مزیت شخصی مذکور برای شریک، مشوق تجاری و سرمایه‌گذاری بوده و برای سلامت اقتصاد جامعه نیز ضرورت دارد. این نوع مسئولیت موجب پیش‌قدمی تأسیس شرکت می‌شود، بدون اینکه مؤسسان شرکت در معرض خطرهای احتمالی سنگین قرار گیرند (عیسائی تفرشی، ۱۴۰۰، ج ۲: ۵۴). لذا، محدود بودن مسئولیت شرکا و سهامداران در شرکت‌های اشخاص باعث تشویق مردم به مشارکت در تأسیس آن‌ها شده است. بر همین مبنا، طبیعی است ورشکستگی این گونه شرکت‌ها باعث ایجاد مسئولیت نامحدود نگردد. در ادامه به بررسی رابطه شرکا و سهامداران با شرکت در صورت ورشکستگی هر یک از طرفین می‌پردازیم.

در این زمینه، دیدگاه‌های متعددی ارائه شده است. عده‌ای با ایجاد رابطه بین این دو معتقدند با ورشکستگی شرکت، شرکا نیز ورشکست می‌شوند و عده‌ای نیز ارتباطی بین آن‌ها قائل نیستند. دکتر عرفانی معتقد است در شرکت‌های دارای شریک ضامن، شرکای ضامن را می‌توان در صورت ورشکست شدن شرکت، ورشکسته اعلام کرد (عرفانی، ۱۳۶۶: ۵۲). البته این نظر صرفاً در ارتباط با شرکت‌هایی است که دارای شریک ضامن هستند، مثل شرکت‌های تضامنی. بدیهی است این امر در ارتباط با دیگر شرکت‌ها قابل طرح نیست. از طرف دیگر، عده‌ای از دکترین، دیدگاهی برخلاف دیدگاه فوق را داشته و برابر ماده ۱۲۸ قانون تجارت معتقدند ورشکستگی شرکت، ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکا و ورشکستگی بعضی از شرکا، ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکت ندارد و نهایتاً ارتباطی بین ورشکستگی شرکت با ورشکستگی شرکا و سهامداران قائل نیستند (اسکینی، ۱۳۹۷: ۳۳). با این تفاسیر، می‌توان گفت ورشکستگی شرکت سهامی، تأثیری بر ورشکستگی سهامداران آن ندارد. درواقع، در شرکت‌های سرمایه (شرکت‌های سهامی) با توجه به محدود بودن مسئولیت سهامداران به مبلغ اسمی سهامشان، ورشکسته شدن سهامداران موجب ورشکستگی شرکت و برعکس نخواهد شد.

سهامداران شرکت دارای حقوق و تکالیفی هستند. با توجه به مقررات قانون تجارت، حقوق وابسته به سهام به دو دسته تقسیم می‌شود؛ دسته اول حقوق مالی است، مثل حق دریافت سود، حق تقدم در خرید سهام و غیره و دسته دوم حقوق غیرمالی است، مثل حق حضور در جلسات، حق رأی دادن و غیره (یحیی پور، ۱۳۹۷: ۶۸-۶۹). سهامداران تکالیفی

را نیز بر عهده دارند که باید برابر مقررات به آن‌ها عمل نمایند. از مهم‌ترین این تکالیف، عمل به تعهدات خود مبنی بر پرداخت میزان سهم است. برابر ماده ۳۳ لایحه اصلاحی قانون تجارت، سهامداران می‌بایست مبلغ پرداخت‌نشده سهام خود را پرداخت نمایند. در غیر این صورت، حق رجوع از سوی مدیر تصفیه به این گروه از سهامداران در صورت ورشکستگی شرکت محفوظ است و چنانچه حکم ورشکستگی شرکت صادر شود و تعدادی از سهامداران تمام قیمت سهام خود را نپرداخته باشند، مدیر تصفیه آن را به‌عنوان مطالبه شرکت وصول می‌کند؛ هرچند سهام‌داران با تکلیف اضافه‌تری مواجه نیستند. از آنجاکه دیون موجل تاجر ورشکسته حال می‌شود (سیدی آرانی، ۱۳۹۹: ۱۱۲). درواقع، مدیر تصفیه از باب وصول مطالبات ورشکسته و تقسیم آن بین طلبکاران، حق مراجعه به شریک یا سهامدار بدهکار را دارد (دمرچیلی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۳۸) که طلب مذکور اعم از طلب موضوع ماده ۳۳ پیش‌گفته یا هر نوع طلب دیگری بوده که به‌نوعی بر عهده سهامداران است.

امکان صدور حکم ورشکستگی سهامدار به‌تبع ورشکستگی شرکت وجود ندارد و همان‌طور که اعلام گردید، ملازمه‌ای با یکدیگر ندارند اما در حالتی ممکن است که ورشکستگی شرکت درنهایت به صدور حکم ورشکستگی سهامدار و شریک منجر گردد، آن هم در صورت مراجعه مدیر تصفیه به سهامدار بدهکار و اگر سهامدار مذکور توانایی پرداخت بدهی خود را نداشته باشد و سایر شرایط ازجمله تاجر بودن فراهم باشد، می‌توان به علت وقفه در پرداخت دیون، صدور حکم ورشکستگی او را از دادگاه درخواست کرد و صرف سهامدار بودن در یک شرکت تجاری موجب تاجر شناخته شدن سهامدار نمی‌شود (دمرچیلی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۳۸). ضمن اینکه در صورت ورشکستگی سهامدار و چنانچه سهامدار کلیه مبلغ سهام خود را پرداخت کرده باشد و تعهدی در مقابل شرکت نداشته باشد، تأثیری در ورشکستگی شرکت ندارد. مختصر اینکه در صورت ورشکستگی شرکت، حق مراجعه به سهامدار صرفاً در صورت عدم پرداخت مبلغ سهم از سوی سهامدار وجود دارد. در غیر این صورت، ورشکستگی شرکت ارتباطی با سهامدار ندارد و در صورت ورشکستگی سهامدار صرفاً به میزان سهم همان سهامدار در شرکت به‌عنوان دارایی فرد ورشکسته قابل توقیف بوده و دلیلی برای ورشکستگی شرکت نخواهد بود.

در پایان این بحث اضافه می‌گردد که سهامداران در خصوص ورشکستگی شرکت سهامی، مسئولیت مدنی و جزایی ندارند اما آن‌ها به‌عنوان اعضاء تشکیل‌دهنده مجمع و رکن تصمیم‌گیرنده شرکت می‌توانند با بررسی عملکرد مدیران و بازرسان در ارتباط با وضعیت سهام و شرکت، توضیحاتی را از آن‌ها مطالبه نمایند. چه‌بسا این نظارت سهامداران که می‌تواند از طریق بازرسان زبده عملی گردد، از بسیاری از اتفاقات بعدی در شرکت همچون ورشکستگی، جلوگیری به عمل آورد. راهکارهای دیگری نیز در قانون برای سهامداران پیش‌بینی شده تا بتوانند مدیران شرکت را در صورت تخلف و عدم انجام صحیح وظایف، مورد پیگیری قرار دهند. از مهم‌ترین این راهکارها، حق اقامه دعوی مشتق بوده که در مواد ۲۷۶ و ۲۷۷ لایحه اصلاحی قانون تجارت و تحت عنوان دعوی مسئولیت علیه مدیران شرکت برای سهامداران پیش‌بینی شده است (یحیی پور، ۱۳۹۷: ۶۹). در ضمن، سهامداران به دلیل سهامدار بودن در سود و زیان شرکت سهیم هستند. به همین جهت، طبیعی است نسبت به اتفاقات شرکت بی‌تفاوت نبوده و حتی الامکان در راه بهبود وضعیت آن و جلوگیری از ایجاد ضرر و زیان بکوشند. در حقیقت می‌توان گفت، به خاطر شرایط به‌وجودآمده در خصوص عملکرد مدیران شرکت سهامی، توضیحاتی را از هیئت‌مدیره شرکت بخواهند.

۴- مدیران و ورشکستگی شرکت

برابر ماده ۱۰۷ لایحه اصلاحی قانون تجارت، مدیران شرکت سهامی از بین صاحبان سهام انتخاب می‌شوند. لذا، سهامدار بودن اعضاء هیئت‌مدیره الزامی است؛ هرچند مدیرعامل شرکت سهامی می‌تواند خارج از سهامداران باشد. موارد لازم

در ارتباط با وضعیت سهامداران شرکت و ورشکستگی شرکت، در مبحث قبلی ذکر گردید. در این بحث، رابطه مدیران شرکت سهامی (فارغ از بحث سهامدار بودن یا نبودن) با مبحث مرتبط با ورشکستگی شرکت بررسی می‌گردد. در نظام حقوقی ایران در مبحث ورشکستگی، همان‌گونه که یکی از دکترین اعلام داشته‌اند، مدیران شرکت اساساً تاجر نیستند تا بتوان حکم ورشکستگی آنان را صادر نمود. حکم ورشکستگی مدیر را نمی‌توان به سبب ورشکستگی شخص حقوقی صادر کرد (اسکینی، ۱۳۹۷: ۱۱۳). درواقع، ورشکستگی شرکت تأثیری در ورشکستگی مدیران ندارد (دمرچیلی و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۴۱). قانون‌گذار، زمانی مدیران را مشمول پرداخت دیون شرکت می‌داند که خطایی از مدیران سرزده باشد و این خطا نیز علت ورشکستگی شرکت باشد. لازم به ذکر است در مواردی که احراز شود ورشکستگی شرکت ناشی از تقصیر مدیران شرکت است، مدیران قابل تعقیب خواهند بود و در مقابل، بدهکاران شرکت مسئول خواهند بود. برابر ماده ۱۴۳ لایحه اصلاحی قانون تجارت، «در صورتی که شرکت ورشکسته شود یا پس از انحلال معلوم شود دارایی شرکت برای تأدیه دیون آن کافی نیست، دادگاه صلاحیت دارد می‌تواند به تقاضای هر ذی‌نفع، هر یک از مدیران و یا مدیرعامل را که ورشکستگی شرکت یا کافی نبودن دارایی شرکت به نحوی از انحاء معلول تخلفات او بوده است، منفرداً یا متضامناً به تأدیه آن قسمت از دیونی که پرداخت آن از دارایی شرکت ممکن نیست، محکوم نماید». همان‌گونه که در ماده مذکور نیز به صراحت ذکر شده، ورشکستگی شرکت به دلیل تخلفات مدیران موجب مسئولیت آن‌ها بوده که در صورت احراز از سوی دادگاه، محکوم به پرداخت دیون پرداخت‌نشده می‌گردند و الزاماً حکم ورشکستگی آن‌ها صادر نمی‌گردد؛ مگر زمانی که در پرداخت دیون مربوطه ناتوان باشند. در اینجا، مسئولیت‌های هیئت‌مدیره برای اداره و کنترل بهینه شرکت به‌عنوان یکی از اصول مهم حاکمیت شرکتی مطرح می‌گردد و هیئت‌مدیره شرکت به‌مثابه تکیه‌گاهی است که حقوق مالکانه سهامداران را با تفویض اختیار به مدیران متوازن می‌کند (یحیی پور، ۱۳۹۷: ۷۴). پیش‌بینی سهام وثیقه در ماده ۱۱۴ لایحه اصلاحی برای مدیران شرکت، نشان‌دهنده تلاش قانون‌گذار به‌منظور ایجاد یک تضمین جهت جبران خسارات ناشی از تقصیر مدیران شرکت است. حدود تخلفات مدیران و مبنای آن برابر ماده ۱۴۲ لایحه اصلاحی قانون تجارت مقررات قانونی، اساسنامه شرکت و مصوبات مجمع عمومی است و چنانچه علی‌رغم رعایت این موارد، شرکت ورشکسته شود و یا دارایی‌ها تکافوی پرداخت دیون شرکت را نکند، محملی برای مسئولیت تضامنی یا انفرادی مدیران وجود نخواهد داشت (نعیمیان، ۱۳۹۳: ۱۴۲). در نظام حقوقی سایر کشورها نیز شاهد چنین موردی هستیم. به‌عنوان مثال، در نظام حقوقی انگلستان نیز این مهم مورد اشاره قانون‌گذاران کشور قرار گرفته به‌نحوی که چنانچه مدیران شرکت نسبت به وظایف خود کوتاهی نموده و نقض وظایف نمایند و به‌واسطه این نقض وظایف شرکت تجاری ورشکسته گردد، مدیران در پرداخت دیون شرکت مسئول شناخته شده و ملزم به پرداخت دیون و جبران خسارت خواهند بود (باقریه و زاهدی، ۱۳۹۸). در حالت عکس موارد پیش‌گفته، یعنی ورشکستگی افراد و تأثیر آن بر شرکت نیز احکام خاصی در قانون تجارت بیان شده و محدودیت‌هایی پیش‌بینی گردیده است. بر این اساس، فرد ورشکسته، محجور تلقی شده که البته حجر او نوعی حجر خاص تعبیر می‌شود (روشن و مظفری، ۱۳۸۹: ۸۱). افراد ورشکسته، برابر ماده ۱۱۱ لایحه اصلاحی قانون تجارت نمی‌توانند به‌عنوان مدیر و عضو هیئت‌مدیره انتخاب شوند. اینکه انتخاب آن‌ها به مدیرعاملی شرکت مستند به ماده ۱۲۶ لایحه مذکور ممنوع است. همچنین، به‌موجب ماده ۱۴۷، انتخاب آن‌ها به‌عنوان بازرس نیز منع شده است.

در نظام حقوقی کشور ما برخلاف سهامداران، مسئولیت‌های کیفری و مدنی برای مدیران شرکت‌ها در نظر گرفته شده است. در این میان، مسئولیت مدنی مدیران، انواع و اقسام مختلفی دارد؛ مسئولیت تضامنی، مشترک و غیره، اشکال مختلف مسئولیت‌های مدیر شرکت است. یکی از راه‌های حفظ حقوق سهامداران، نظارت دقیق بر فعالیت مدیران و پیگیری تخلفات آن‌هاست. در مواد متعدد لایحه اصلاحی قانون تجارت از جمله مواد ۲۵۰ الی ۲۶۵، مسئولیت مدیران

شرکت ذکر گردیده و تأکید شده است که اگر مدیران در تصمیمات و عملیات خود مقررات قانونی را رعایت نکنند، مسئول خواهند بود. مسئولیت مدیران در برابر شرکت سهامی را می‌توان به دو بخش مسئولیت فردی و جمعی تقسیم نمود. با این ذهنیت که در قانون ما و به‌ویژه در قانون تجارت اساس و پایه مسئولیت به‌صورت جمعی است؛ یعنی جبران خسارت باید به‌صورت تساوی صورت گیرد. در خصوص ورشکستگی نیز همین مطلب اعمال می‌شود؛ یعنی مسئولیت مدیرانی که باعث ورشکستگی شرکت شده‌اند، علی‌الاصول باید به تساوی در نظر گرفته شود. باین‌حال، اگر مسئولیت مدیری به‌صورتی برای دادگاه احراز گردد که این مدیر به‌صورت فردی تخلفی انجام داده است و این تخلف باعث ایجاد خسارت و متعاقباً خسارت پیش‌آمده باعث ورشکستگی شرکت گردیده است، مدیر متخلف به‌صورت فردی قابل مجازات است. این قابل مجازات بودن، مجازات مدنی مدیر متخلف مدنظر ماست. در حقیقت، در لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب سال ۱۳۴۷، مجازات در نظر گرفته شده برای مدیرانی که منجر به ورشکستگی شرکت گردند، جبران خسارت است. درعین‌حال، ممکن است مجازات کیفری رخ دهد که باید در سایر قوانین به دنبال آن باشیم.

جمع‌بندی

ورشکستگی، مقوله‌ای منفی و ناخوشایند بوده که خاص تاجر و تاجران (اعم از حقیقی و حقوقی) است. درواقع، در ارتباط با افراد غیرتاجر نمی‌توان از ورشکستگی صحبت نمود. شرکت‌های سهامی با تصریح ماده ۲ لایحه اصلاحی قانون تجارت، تاجر محسوب می‌شوند. بر همین مبنا، ورشکستگی شرکت ممکن است هم بر سهامداران و هم بر مدیران آن اثرگذار باشد. از آنجاکه سرمایه شرکت سهامی به سهام تقسیم شده و مسئولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی سهام آن‌هاست، اگر تمامی سهامداران در ابتدای تأسیس شرکت، تمام این مبلغ اسمی را و به عبارتی، تمام وجوه را پرداخت کرده باشند، می‌توان گفت سهامدار نسبت به شرکت و اشخاص ثالث مسئولیتی ندارد. لذا، در پاسخ به سؤالات مطرح شده در مقدمه می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که اگر شرکت ورشکسته گردد، سهامداری که تمام مبلغ اسمی را پرداخت کرده، بدون هیچ‌گونه مسئولیتی خواهد بود. به بیان دیگر، ورشکستگی شرکت تأثیری بر این سهامدار ندارد و متقابلاً ورشکستگی سهامدار تأثیری بر شرکت ندارد. در موردی که شرکت سهامی، منحل، باطل و یا ورشکسته اعلام شود، مدیر تصفیه آن مکلف خواهد بود نسبت به شناسایی دارایی، اموال، بدهی‌ها و همچنین، مطالبات شرکت سهامی اقدام نماید تا بتواند پرداخت بدهی‌های شرکت از محل اموال و دارایی‌های آن را سر و سامان دهد. پس از آنکه مدیر تصفیه شرکت، همه انواع دیون، تعهدات و مطالبات شرکت را شناسایی کرد و اقدام به پرداخت و تصفیه آن‌ها نمود، اگر همچنان شرکت سهامی منحل یا ورشکسته، دارای بدهی‌هایی باشد و دارایی‌ها و نقدینگی‌های باقیمانده برای تصفیه دیون، کافی نباشد، در این مورد، مدیر تصفیه شرکت سهامی منحل یا ورشکسته، از سهامداران خواهد خواست تا نسبت به مبلغ اسمی سهام خود در تأمین نقدینگی برای تصفیه دیون باقیمانده، مشارکت کنند. بدین صورت، سهامداری که تمام مبلغ سهم خود را نپرداخته است، مکلف است نسبت به پرداخت آن اقدام نماید و در صورت عدم توانایی در پرداخت آن می‌توان صدور حکم ورشکستگی وی را از دادگاه درخواست نمود.

از طرف دیگر، ورشکستگی شرکت موجب صدور حکمی در همین خصوص نسبت به مدیران شرکت نخواهد شد ولی اگر تخلفات مدیر یا مدیران به ورشکستگی شرکت بینجامد، آن‌ها مسئول تأدیه دیونی هستند که از قصور و تخلفات آن‌ها به شرکت تحمیل شده است چراکه مدیران در شرکت‌های تجاری در این شرایط دارای مسئولیت مدنی هستند. قانون‌گذار برای حفظ حقوق طلبکاران شرکت‌های سهامی در ماده ۱۴۳ (ل.ا.ق.ت)، مسئولیت فردی یا تضامنی مدیران را پیش‌بینی نموده و اگر شرکت ورشکسته شود یا پس از انحلال معلوم گردد که دارایی شرکت برای ادای دیون آن تکافو نمی‌نماید، هر طلبکار می‌تواند از دادگاه ذی‌صلاح، محکومیت مدیران شرکت سهامی را که با ارتکاب تقصیر

موجبات ورشکستگی شرکت و عدم تکافوی دارایی آن را فراهم ساخته‌اند، به پرداخت آن قسمت از دیون که وصول آن از دارایی شرکت امکان‌پذیر نیست، تقاضا نماید. در این حالت، هرچند مدیر متخلف دارای مسئولیت است اما الزاماً منجر به ورشکستگی وی نمی‌شود؛ مگر در شرایط خاصی که دادگاه چنین حکمی صادر نماید. از سوی دیگر، افراد ورشکسته به موجب قانون نمی‌توانند به عنوان مدیر اعم از عضو هیئت مدیره و مدیر عامل در شرکت انتخاب گردند.

منابع

- اسکینی، ربیعا. (۱۳۹۷). حقوق تجارت - ورشکستگی و تصفیه امور ورشکسته. تهران: انتشارات سمت.
- باقریه، حجت و زاهدی، اسعد. (۱۳۹۸). آثار حکم ورشکستگی شرکت بر مدیران در حقوق ایران و انگلستان، دومین کنفرانس ملی تحقیقات بنیادین در مدیریت و حسابداری، تهران: <https://civilica.com/doc/986821>
- پاسبان، محمدرضا. (۱۳۸۹). حقوق شرکت‌های تجاری. چاپ پنجم. تهران: انتشارات سمت.
- جعفری صامت، امیر. (۱۳۹۷). ادغام، راهکاری مؤثر جهت جلوگیری از ورشکستگی بانک‌ها، فصلنامه پژوهش‌های پولی-بانکی، ۱۱(۳۷).
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۹۸). ترمینولوژی حقوق. تهران: انتشارات گنج دانش.
- جنیدی، لعیا، اسکندری، حسن و فرجام، بهزاد. (۱۳۹۶). تأثیر ورشکستگی شرکت‌های مادر و تابعه بر یکدیگر با تدقیق در روابط و مسئولیت متقابل آن‌ها، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، ۴۷(۲).
- دمرچیلی، محمد، حاتمی، علی و قرائی، محسن. (۱۳۹۴). قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی. تهران: انتشارات دادستان، چاپ بیست و سوم.
- رجبعلی دماوندی، محمد و پیروزی، پژمان، نامدار، شکوه و سادات طبائی، مهشید. (۱۴۰۱). مسئولیت مدیران شرکت‌های سهامی در پرتو دو قاعده آلتراوایریز و خرق حجاب شخصیت حقوقی در ایران با نگاهی به حقوق انگلستان، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، ۵۱.
- روشن، محمد و مظفری، مصطفی. (۱۳۸۹). بررسی آثار صدور حکم ورشکستگی و رفع آن، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۴۰(۱۰۱).
- سیدی آرانی، سید عباس. (۱۳۹۹). مطالعه تطبیقی پیشگیری از ورشکستگی شرکت تجاری در بحران عمومی با تأکید بر کرونا، مجله حقوق اسلامی، ۱۷(۶۴).
- سیمایی صراف، حسین و شقایق، امیر. (۱۳۹۸). ماهیت رسیدگی به امر ورشکستگی، دو فصلنامه علمی آموزه‌های حقوقی گواه، ۵(۲).
- عرفانی، محمود. (۱۳۶۶). حقوق تجارت. جلد سوم، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- عیسائی تفرشی، محمد. (۱۴۰۰). مباحثی تحلیلی از حقوق شرکت‌های تجاری. جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- عیسائی تفرشی، محمد. (۱۴۰۰). مباحثی تحلیلی از حقوق شرکت‌های تجاری. جلد دوم شرکت‌های سهامی عام و خاص، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- فرحناکیان، فرشید. (۱۳۹۲). قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی. تهران: نشر میزان.
- کاردگر، ابراهیم، سبزی، محمود و رحمانی، هادی. (۱۳۹۳). ورشکستگی و مشتری مداری، بیست و یکمین همایش ملی و هفتمین همایش بین‌المللی بیمه و توسعه، تهران: <https://civilica.com/doc/825775>
- الماسی، نجادعلی و شمس، احسان. (۱۳۹۶). قانون ماهوی حاکم بر ورشکستگی، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، ۵(۱۹).
- نعمیان، صدیقه. (۱۳۹۳). شرکت‌های سهامی عام و خاص پیچیدگی‌ها و چالش‌ها. تهران: نشر کشاورز.
- واعظ قاسمی، محسن و رمضانپور چهارده، سعید. (۱۳۹۷). پیش‌بینی ورشکستگی شرکت‌های پذیرفته‌شده در سازمان بورس و اوراق بهادار با استفاده از شبکه عصبی مصنوعی، فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه‌گذاری، ۷(۲۶).

یحیی پور، جمشید. (۱۳۹۷). حاکمیت شرکتی در شرکت‌های سهامی. چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.

استناد به این مقاله: میلانی، جمیل. (۱۴۰۲). ورشکستگی شرکت‌های سهامی و آثار آن بر سهامداران و مدیران شرکت. فصلنامه تحقیقات نوین میان‌رشته‌ای حقوق، ۳(۲)، ۶۲-۷۳.



Modern Interdisciplinary Research in Law is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.